

بررسی جامعه شناختی عوامل ناامنی در استان سیستان و بلوچستان از منظر مدیران و جوانان عوامل ناامنی (تحصیلات و احساس نابرابری)

محمد میهنی^۱، صادق ستوان^۲

^۱ کارشناسی ارشد جامعه شناسی، علوم و تحقیقات سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

^۲ دانشجوی دکتری جامعه شناسی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

صادق ستوان

sadeqsotvan@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی جامعه شناختی عوامل ناامنی در استان سیستان و بلوچستان از نظر مدیران و جوانان شهر میرجاوه در سال ۱۳۹۴ پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش مدیران و جوانان شهر میرجاوه در استان سیستان و بلوچستان می باشد. در این پژوهش ارتباط بین امنیت بعنوان متغیر وابسته با متغیرهای نابرابری، سطح تحصیلات در غالب دو فرضیه بررسی شده است. روش این پژوهش پیمایشی و گردآوری داده ها و اطلاعات با استفاده از پرسشنامه و فیش نامه و ... صورت گرفته است. و حجم نمونه به تعداد ۱۰۰ نفر توزیع و نتایج آن با استفاده از آمارهای توصیفی و استنباطی صورت گرفته است. و نتایج پژوهش حاضر که در نیمه اول سال ۱۳۹۴ تحت عنوان بررسی جامعه شناختی عوامل ناامنی (تحصیلات و میزان احساس نابرابری) در استان سیستان و بلوچستان از منظر مدیران و جوانان شهر میرجاوه صورت گرفته است نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین امنیت بحران متغیر وابسته و مؤلفه های سطح تحصیلات جمعیت وجود دارد و بین احساس نابرابری نیز یک رابطه منفی و معنی دار وجود دارد اما در این پژوهش بررسی مقایسه ای بین نقطه نظرات مدیران و جوانان در امنیت نشان داد که تفاوت معنی داری وجود ندارد و مدیران و جوانان شهر میرجاوه در این پژوهش نظرات مشترکی در عوامل ناامنی استان دارند که این امر بویژه احساس نابرابری و رابطه آن با امنیت با عنایت به اینکه مدیران خودشان به عنوان متولیان اصلی ایجاد و احساس برابری در جامعه مطرح هستند.

واژگان کلیدی: امنیت، ساختار جمعیتی، تجارت مرز، جوانان، مدیران، عوامل ناامنی.

مقدمه

امنیت به عنوان یکی از نیازهای مهم بشر از یک طرف موجب به وجود آمدن جوامع همگن، متحد و حکومت‌ها و تشکیل دولت‌های بزرگ می‌شود و از طرف دیگر برای رفع این نیازهای اساسی جوامع بشری و حکومت‌ها به منظور دستیابی به امنیت پایدار و فراهم آوردن آسایش و آرامش و رفاه برای شهروندان خود در تضاد با سایر حکومت‌ها قرار می‌گیرند و رقابت حکومت‌ها با یکدیگر برای دسترسی به امکانات بیشتر موجب به وجود آمدن تضاد، کشمکش و جنگ و خون‌ریزی و به خطر افتادن امنیت سایر جوامع و دولت‌های رقیب گردیده و به همین دلیل است که در طول تاریخ بشری همیشه شاهد رقابت، جنگ و درگیری بین حکومت‌ها هستیم و امروزه نیز این رقابت به صورت‌های مختلف و در عرصه‌های مختلف به چشم می‌خورد.

ظهور و زوال امپراطوری‌ها و حکومت‌های مختلف و افزایش تعداد دولت‌ها و کشورها نتیجه همین تضادها و کشمکش در جامعه برای دستیابی به امکانات و ابزارهای اثرگذار در مقوله تأمین آرامش، آسایش، رفاه و امنیت می‌باشد که انواع جنگ‌ها و خونریزی‌ها در بین مردم جهان و کشورهای مختلف به وجود آمده است جنگ‌های جهانی اول و دوم و نیز تبدیل قدرت‌های جهانی به دو بلوک شرق و غرب، جنگ سرد و همچنین شرایط فعلی جهان و به وجود آمدن قدرت‌هایی همچون آلمان، چین، هند و آمریکا و کشورهای آسیایی و سازمان‌های همچون ناتو، ورشو و غیر متعهدها در راستای تأمین و دسترسی به امنیت از طریق دولت‌ها و کشورهای جهان به وجود آمده است.

امنیت در سطح جوامع نظم و بقا را به عنوان مهمترین کارکرد اساسی خود به وجود می‌آورد این پدیده از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین کار ویژه‌های نهاد اجتماعی حکومتی یا همان دولت می‌باشد که مردم حق را در مورد دفاع از حریم خصوصی و عمومی، حفظ جامعه به نهاد اجتماعی حکومت تفویض می‌کنند و تأمین امنیت در سطح جامعه به عهده حکومت می‌باشد. در مقابل باید اشاره نمود منشأ این فرآیند را در فرآیندهای بنیادی تری مورد جستجو قرار دهیم که این فرآیندها در بطن جامعه جای دارند بنابراین استمرار ارزش‌های فرهنگی، فرآیند اجتماعی شدن، وفاق، همکاری اجتماعی و ... در بین، شهروندان می‌تواند از مهمترین عوامل ارتقاء و تقویت امنیت به صورت واقعی ملموس باشد.

جان ئی. موز^۱ می‌گوید: امنیت عبارت است از رهایی نسبی از تهدیدات زبان بخش هم چنان به عقیده آرنولد ولفر^۲ امنیت در معنای عینی آن فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب شده و در معنای ذهنی امنیت عبارت از فقدان هراس از اینکه ارزش‌های مزبور مورد حمله قرار گیرد به همین قسم "دومینیک داوید" نیز تعریف از امنیت ارایه کرده است که به عقیده وی امنیت عبارت از «ایجاد فضایی که در آن فرد یا جمعی خودشان را در وضعیت آسیب پذیر فضایی که در آن فرد یا جمعی خودشان را در وضعیت آسیب پذیر احساس نمی‌کنند و تهدید متوجه آنها نیست و فقط ابزار رفع تهدید در اختیار آنها قرار می‌گیرد». چنین فضا راضی را می‌توان به کمک سیاست‌های دفاعی و دفاع نظامی ایجاد و یا تقویت کرد [۴].

همچنین داریوش آشوری در تعریف امنیت می‌گوید: «امنیت در لغت عبارت از حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی یا هر تهدید و حمله می‌باشد که در اصلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت فردی، (امنیت اجتماعی) امنیت ملی و امنیت بین‌المللی به کار برده می‌شود». جامعه ایران به دلیل شرایط اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی و سیاسی و مرزهای طولانی مشترک آبی و خاکی و منطقه خاورمیانه قرار دارد و دارای شرایط خاص می‌باشد از انواع و اقسام معضلات اجتماعی رنج می‌برد هرچند که ناامنی اجتماعی در تمامی استان‌های کشور مطرح است اما این میان شدت و دامنه این مسئله در بعضی از مناطق بیشتر از مناطق دیگر است چرا که در این چند سال اخیر موضوع هسته‌ای و تحریم‌های بین‌المللی و رقابت بر سر منابع طبیعی و نفت توسط قدرت‌های جهان باعث بروز مشکلات زیادی در منطقه و کشور ما شده است به خصوص جریانات افراطی گری در منطقه و کشورهای همسایه مثل عراق، افغانستان و پاکستان که در نقاط مختلف کشور ما شاهد ناامنی‌های مختلفی به صورت‌های مختلفی می‌باشیم که در این میان شدت و دامنه این مسئله در استان سیستان و بلوچستان بسیار وخیم است در این استان سرقت مسلحانه و غیر مسلحانه، ترانزیت قاچاق مواد مخدر، قتل، آدم‌ربایی، تجاوز به عنف، خشونت و ضرب و شتم و ... باعث سلب امنیت و آسایش مردم شده است. هر از چندگاهی هر کدام از جرائم فوق به نقطه‌ی بحرانی می‌رسند. و در اثر اعمال سیاست‌های امنیتی تا حدودی مهار نشده و برای مدتی تعدیل می‌شوند. اما به دلیل سطحی بودن سیاست‌های امنیتی و در نظر نگرفتن عوامل اجتماعی - فرهنگی‌ای که سبب وقوع جرایم اجتماعی می‌شوند، خیلی سریع دوران خفنگی سپری شده و دوباره بحران‌های امنیتی جدیدی به وقوع می‌پیوندد.

استان سیستان و بلوچستان در طول دهه‌های اخیر دچار تغییر و تحولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی وسیعی شده است و در نتیجه از یک جامعه سنتی متعادل، تبدیل به یک نظام اجتماعی پیچیده‌ای شده است که مؤلفه‌های سنتی و مدرن، پست مدرن

¹ - JhonE.morrrz

² - Aronldwolffers

به متناقض ترین شکل ممکن در کنار هم قرار گرفته اند و قبیله ای بودن و تکثیر قومیت و تفاوت های مذهبی به دو گروه شیعه و سنی و دو بافت و قومیت متفاوت تحت عنوان سیستمی و بلوچستانی می باشد از چالش های و مسایلی هستند که رقابت های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باعث بروز مسایلی و تنش ها در منطقه شده است و رد پای قدرت های جهانی و کشورهای همسایه را در این حوادث شاهد هستیم. لذا ناامنی اجتماعی طبیعی ترین چیزی است که در چنین جامعه ای بطور مداوم تولید شده و قربانیان خودش را می گیرد.

از جایی که عوامل اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مهمترین عوامل مؤثر در مختل شدن امنیت اجتماعی استان سیستان و بلوچستان می باشند لذا طراحی هرگونه سیاست امنیتی بدون توجه به این عوامل به جایی نخواهد رسید در واقع رسیدن به یک سیاست امنیتی درست و عملی منوط به شناخت دقیق عوامل نا امنی و ارائه سیاست های اجتماعی مناسب در جهت مهار و احیاناً برطرف نمودن آنهاست در پژوهش حاضر ما در پی آن هستیم عوامل نا امنی در استان سیستان و بلوچستان را از منظر مدیران و جوانان شهر میرجاوه مورد بررسی قرار دهیم که چرا علی رغم تحولات بزرگ فرهنگی همچون رشد سطح تحصیلات، بهبود در شرایط زیستی و سطح زندگی مردم استان، شکل گیری نهادهای مدنی و جریان های روشنفکری، بهبود و شیوه های کار و فعالیت های اقتصادی و استفاده از امکانات بهداشتی و درمانی، ورزشی و فرهنگی و اجرای سیاست های امنیتی همچنان شاهد نا امنی در استان هستیم؟ آیا احساس نابرابری در دسترسی به امکانات در امنیت استان اثر گذار است؟ ساختمان جمعیت استان چه نقشی در نا امنی ها دارد؟ ریشه نا امنی های استان در کجاست؟ نا امنی ها استان منشأ خارجی دارند یا منشأ داخلی؟ در طول چند دهه گذشته جریان های استقلال طلبی و تجزیه طلبی در بلوچستان وجود نداشته است پس چرا علیرغم بهبود شرایط فرهنگی، بهداشتی و اقتصادی همچنان شاهد افزایش نا امنی و به ویژه احساس نا امنی در استان هستیم؟ همسایگی با کشورهای پاکستان و افغانستان و دسترسی به مرز و اسلحه با نا امنی های استان چه ارتباط دارند؟ با توجه به اینکه عمده نا امنی های استان توسط جوانان صورت می گیرد آیا مدیران اجرایی و جوانان در آسیب شناسی نا امنی های استان دیدگاه مشترکی دارند یا اینکه یکی از علت های احساس نا امنی های استان عدم درک متقابل بین جوانان و مدیران از مسایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می باشد؟ استفاده از مدیران بومی به چه میزان می تواند در افزایش و یا کاهش شاخص های امنیتی استان مؤثر باشد؟ و در نهایت به دنبال رسیدن به این پاسخ هستیم که چرا علی رغم همه تلاش ها و اقدامات بعمل آمده استان سیستان و بلوچستان دچار مشکلات امنیتی حاد بوده و از مناطقی است که امنیت کشور را تهدید می نماید؟

اهمیت و ضرورت های پژوهش

امنیت یکی از نیاز های اساسی و همگانی است، در زمینه اهمیت و ضرورت آن برای زندگی، همین بس که دانشمندان آن را به مثابه یکی از نیاز های اساسی در نظر می گیرند [۶]. مفهوم احساس امنیت یکی از مؤلفه های کیفیت زندگی در شهر هاست و آسیب های اجتماعی نیز از مهمترین پیامدهای نا امنی به شمار می روند. فضای شهر به عنوان بستر زندگی و فعالیت شهروندان باید بتواند با توجه به شباهت ها و تفاوت ها میان افراد و گروه های سنی و جنسی، محیطی امن، سالم و پایدار و جذاب را برای همه افراد فراهم نماید و به نیازهای تمامی اقشار اجتماعی پاسخ مناسب بدهد و پاسخ گوی حداقل نیازهای باشد. بی تردید هیچ عنصری برای، پیشرفت توسعه و تکامل یک جامعه و همچنین شکوفایی استعدادها مهم تر از عنصر امنیت و آرامش در جامعه نبوده است و توسعه اجتماعی، خلاقیت و فعالیت ارزشمند بدون امنیت امکان پذیر نخواهد بود [۵]. احساس ناامنی در جامعه، موجب کاهش سطح بهداشت روانی شده است و تحقق این نا امنی سلب اعتماد اجتماعی را پدید می آورد در چنین شرایطی جامعه دچار گسست هایی در شبکه ی روابط اجتماعی می شود. در واقع احساس ناامنی باعث به وجود آمدن تنش، اضطراب، بی قراری و حتی بیماری های روانی خواهد شد، فقدان احساس ناامنی در جامعه باعث می شود که افراد از حوزه ی عمومی کناره گیری کرده و زندگی و فعالیت های خود را در ترس و انزوا ادامه دهند. با وجود احساس امنیت فرد از زندگی در محیط اجتماعی خود هراسان و نگران نبوده و در تعامل با محیط اجتماعی خود از سوی ایمنی می کند. بدون شک هرگونه اختلال در احساس امنیت و بروز شرایط نگرانی ناشی از موقعیت های مخاطره آمیز و دغدغه ساز عینی و ذهنی در جامعه از یک سو هزینه های تعامل اجتماعی را افزایش داده و از سوی دیگر با ایجاد اختلال در اعتماد اجتماعی و بروز بی تفاوتی فردی و اجتماعی، انسجام و یگانگی اجتماعی را مورد تهدید قرار می دهد.

این مطالعه به زمینه اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان مربوط است. استان سیستان و بلوچستان با وجود وسعت زمین که یازده درصد از وسعت کل کشور را داراست و وجود منابع اولیه از توسعه مناسبی در مقایسه با سایر استان های دیگر کشور برخوردار نیست شاید یکی از عوامل شاید عدم وجود کارخانه ها، صنایع گوناگون و توسعه نیافتگی استان سیستان و بلوچستان ناشی از نا امنی های موجود در این منطقه باشد. بی تردید عوامل گوناگونی در ایجاد امنیت و احساس امنیت دخالت دارند که نبودن آنها برقراری احساس امنیت را کند یا مانع آن می شود. بر همین اساس شناسایی عوامل و عناصر تأمین امنیت و احساس ایمنی از پیش شرط های اساسی در جهت برنامه ریزی برای ارتقای سطح امنیت اجتماعی به شمار می رود. لذا اهمیت موضوع و ماهیت بکر آن و ضرورت مطالعه علمی و دقیق مقوله

احساس امنیت اجتماعی و آن روی سکه، یعنی معضل احساس نا امنی و توجه به نقش عوامل تهدید کننده و تأثیرگذار در میزان احساس امنیت اجتماعی در جامعه و دغدغه های شدید امنیتی در جامعه مورد مطالعه، ضرورت و اهمیت پژوهش در این حوزه را به وضوح آشکار می سازد به ویژه میزان اثر گذاری نا امنی های استان سیستان و بلوچستان در امنیت ملی و تحقق برنامه های ملی کشور بر کسی پوشیده نیست لذا توجه به مسئله امنیت در استان سیستان و بلوچستان به عنوان یکی از مؤلفه های اساسی و تأثیر گذار در امنیت ملی کشور و حفظ اتحاد و انسجام و همبستگی ملی است و پرداختن به این موضوع به مثابه حفظ امنیت و جلوگیری از هرج و مرج و آسیب پذیری تمامیت اراضی کشور می باشد.

ادبیات پژوهش

پژوهشی توسط ساموئل آدومیرکو با عنوان ترس از جنایت در بین ساکنان ۳ اجتماع در آگرا غنا انجام گرفته است. در این پژوهش جنسیت عامل تعیین کننده بسیار نیرومند ترس از جنایت در آگرا غناست و این امر با یافته های مکرر دیگر مطالعات عنوان می کنند زنان بیشتر از مردان از جنایت می ترسند، مطابقت دارد که این امر به جهت آسیب پذیری شخصی زنان در بیشتر جوامع است. رابطه منفی بین سن و ترس با مطالعاتی که در ساختار اجتماعی غنا انجام گرفت هماهنگی دارد. بر خلاف ایالات متحده و دیگر جوامع صنعتی غربی اکثریت خانوارهای غنایی چند نسلی هستند مردم در خانواده و خانه های مشترک زندگی می کنند. بنابراین افراد مسن در این خانوارهای گسترده در مقایسه با جوامع غربی که اغلب افراد پیر به تنهایی زندگی می کنند احساس تنهایی نمی کنند. بحث آسیب پذیری اغلب برای توضیح رابطه مثبت بین سن و ترس است بنابراین در جامعه غنا حفظ نگرديد. یافته مهم دیگر تأثیر تحصیلات بر ترس از جرم است. اگر تحصیلات به عنوان نماینده طبقه اجتماعی باشد نتایج به روشی مشخص خواهد ساخت که بین ساکنان طوایف بدون تحصیلات که افراد طبقه پایین را شکل می دهد احساس نا امنی بالاست.

پژوهشی توسط معاونت اجتماعی ناجا در سال ۱۳۸۲ با موضوع بررسی احساس امنیت اجتماعی به شیوه پیمایشی با نمونه آماری ۱۴۷۵ نفر از افراد بالای ۱۸ سال مناطق ۲۲ گانه شهر تهران انجام شد. برخی از نتایج حاصله عبارتند از: بنابر اظهار اکثر پاسخگویان نقش خانواده را به عنوان یک نهاد آموزشی نسبت به سایر نهادها در تولید و ایجاد امنیت در جامعه بسیار مهم تلقی کرده اند. اکثر پاسخگویان عملکرد نیروی انتظامی را در ایجاد امنیت موفقیت آمیز ارزیابی نموده اند و متغیر میزان درآمد افراد پاسخگو با احساس امنیت آنان رابطه معنادار داشته است. در مجموع از یافته های این پژوهش می توان دریافت که اگر چه میزان امنیت اجتماعی شهروندان تهرانی پایین می باشد ولی نسبت به گذشته بهبود و افزایش یافته است.

جمیل صمدی بگه جان در سال ۱۳۸۴ موضوع امنیت اجتماعی را در شهر سنندج مورد بررسی قرار داده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شهروندان ۱۸ سال به بالای سنندج می باشد. روش پژوهش مصاحبه عمیق بوده که طی آن با ۶۰ نفر مصاحبه به عمل آمده است. محقق تأثیر متغیرهایی همچون پایگاه اقتصادی، اجتماعی، امنیت مالی، سرمایه گذاری، هویت قوم و امنیت سیاسی را بر امنیت اجتماعی (در دو بعد عینی و ذهنی) ساکنین مورد بررسی قرار داده است. مهمترین نتیجه این پژوهش نشان می دهد که افراد و خانواده ها هر کدام تهدیدات و ناامنی خاص خود را دارا هستند اما مرکز ثقل تهدیدات، اقتصادی می باشد. در واقع امنیت اجتماعی افراد و خانواده ها از سوی عوامل موجود در حوزه اقتصادی سلب و تهدید می شود. نقدی که بر این پژوهش وارد است مربوط به سنجش بعد عینی امنیت اجتماعی می باشد، چرا که سنجش بعد عینی امنیت اجتماعی، نیازمند داده های آماری وسیع و شاخص هایی در سطح کلان می باشد که محقق با پرسش از افراد نمی تواند به سنجش این بعد از امنیت اجتماعی چنان که باید نایل آید.

مهدی کرامتی در سال ۱۳۸۵ موضوعی تحت عنوان نظرسنجی هایی در خصوص میزان احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان مراکز استان های کشور بر روی کلیه شهروندان بالاتر از ۱۵ سال ساکن در مراکز استان ها به روش کمی، پرسشنامه با پرسش های باز و بسته انجام گرفت که نتایج آن بشرح ذیل است. سنجش میانگین ناامنی در جوامع که ۹۳/۱ نشان داده شده با سنجش میزان احساس ناامنی که ۵۶/۹ بوده، ارزیابی عملکرد ناجا ۲۸/۷ بوده است، بررسی نقش سازمان های مختلف در امنیت شهروندان، طبق آن، نیروی انتظامی، قوه قضاییه و مراکز فوریتی با بیشترین نقش و وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان تأمین اجتماعی و شورای شهر کمترین نقش را در تأمین و حفظ امنیت شهروندان داشته اند.

پژوهشی با عنوان تبیین جامعه شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی با تأکید بر نقش پرداخت رسانه ای و سرمایه اجتماعی توسط بهرام بیات در سال ۱۳۸۷ انجام شده است. هدف این پژوهش بررسی متغیرهای موثر بر احساس امنیت در شهر تهران می باشد. روش پژوهش در این بررسی از نوع پیمایشی و اطلاعات به وسیله پرسشنامه جمع آوری گردیده است. جامعه آماری پژوهش شامل شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن شهر تهران می باشد، که تعداد ۷۷۸ نفر از آنان به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفته اند. متغیرهای میزان بروز جرایم، پرداخت رسانه ای، هویت و اعتماد رابطه معنی دار وجود دارد [۱].

چارچوب نظری

نظریه‌ی ناسازگاری اجتماعی مرتن

از نظر مرتن ساختار فرهنگی مجموعه‌ی سازمان یافته‌ای از ارزش‌های رهنمودی حاکم بر رفتار عموم اعضاء یک جامعه یا گروه مشخص است [۷]. او در تحلیل کارکردیش، کارکرد ساختار فرهنگی را تولید نظام‌های ارزشی یعنی خوبها و بدها می‌داند. همچنین معتقد است این ساختار فرهنگی است که اهداف مشروع را در یک جامعه معین می‌کند و نوعی از منحرفین بدلیل ناتوانی این ساختار فرهنگی در تعیین اهداف مشروع در جامعه، منحرف می‌شوند. از نظر وی ساختار اجتماعی مجموعه‌ی سازمان یافته‌ای از روابط متقابل اجتماعی است که در آن هر یک از اعضاء جامعه یا گروه به اشکال مختلفی به هم پیوسته‌اند. او کارکرد ساختار اجتماعی را تولید نظام‌های هنجاری یعنی بایدها و نبایدها می‌داند و معتقد است که این ساختار اجتماعی است که ابزار و راههای مشروع رسیدن به اهداف را مشخص می‌کند و نوعی از منحرفین به دلیل نارسایی ساختار اجتماعی در تعیین راههای مشروع نیل به اهداف در جامعه، منحرف می‌شوند. از نظر وی ساختار فرهنگی تعیین کننده‌ی ساختار اجتماعی است. اول ارزش‌ها یعنی خوبها و بدها مطرح می‌شوند سپس هنجارها یعنی بایدها و نبایدها مربوط به آنها مطرح می‌شوند. اول می‌گوییم رسیدن به مدارج بالای عملی خوب است سپس می‌گوییم برای رسیدن به آن باید درس خواند. پس اول اهداف تعیین می‌شود سپس راههای رسیدن به این اهداف. مرتن درباره‌ی آنومی (ناهنجاری) تیپولوژی پنج شیوه سازگاری فردی را کامل می‌کند، که آن از یک طرف پذیرش یا رد اهداف فرهنگی و از طرف دیگر پذیرش یا رد ابزار نهادی شده موجود برای دستیابی به این اهداف را شامل می‌شود. در مجموع، یک حالت از رد و جانشین سازی برای آن را پیش بینی می‌کند، او در جدول بندی متقاطع، یک نوع شناسی (تیپولوژی) را درست می‌کند که در آن جهت اهداف فرهنگی برخلاف جهت ابزار نهادی شده است که در آن (جدول) هر یک از آنها به عنوان یک شیوه سازگاری نام گذاری شده است. هر یک از آنها به توضیح مختصر، مناسب با تیپولوژی نیاز دارد.

۱- همنوایی: سازگاری هم با اهداف فرهنگی و هم با ابزار نهادی شده عمومی ترین شکل رفتار است. یعنی فرد هم اهداف فرهنگی تعیین شده از سوی ساختار فرهنگی جامعه را می‌پذیرد و خودش را با آن هم‌نوا می‌کند و هم ابزار فرهنگی تعیین شده از سوی ساختار اجتماعی جامعه را می‌پذیرد و خودش را با آن هم‌نوا می‌کند.

۲- نوآوری: که در آن فرد تاکیدها فرهنگ روی هدف را قبول کرده است بدون اینکه به همان اندازه هنجارهای نهادی شده حاکم بر راه‌ها و ابزار رسیدن به آن (هدف) را درونی کرده باشد. یعنی فرد اهداف ارائه شده از سوی ساختار فرهنگی جامعه را قبول نکرده، اما ابزار ارائه شده از سوی ساختار اجتماعی را پذیرفته است و آن ابزار را به کار می‌گیرد. به عنوان مثال افرادی که در یک جامعه اسلامی اعتقادی به خدا ندارند اما به شیوه راه و رسم مسلمانان زندگی می‌کنند، از این نوع هستند.

۳- انزوا گرایی: که شامل رویگردانی و انصراف افراد از اهداف و ابزار می‌شود. یعنی در آن افراد اهداف و ابزار تعیین شده از سوی ساختار فرهنگی و اجتماعی را نپذیرفته‌اند و در جامعه عزلت نشینی اختیار کرده‌اند. که می‌توان به عنوان مثال به معتادین مواد مخدر، الکلی‌ها، روانی‌ها و افراد منفعل در جامعه اشاره کرد.

۴- طغیان: جاییکه سیستم نهادی شده به عنوان سدی برای رسیدن به اهداف مشروع در نظر گرفته می‌شود، ارزش‌های جدیدی ایجاد می‌شود و افراد به ابزار جانشین برای نیل به آن اهداف مجهز می‌شوند. یعنی اهداف جامعه را مشروع نمی‌دانند و اهداف مشروع مورد نظر خود را به وجود می‌آورند. که در آن اهداف و وسایل نهادی شده بطور کامل رد می‌شود و اهداف و وسایل جدیدی برای جانشینی آنها بوجود می‌آید [۲].

نظریه کارکرد گرایی ساختاری تالکوت پارسونز

کارکرد گرایی ساختاری تالکوت پارسونز:

پارسونز معتقد است یک کارکرد مجموعه فعالیت‌هایی است که در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای اجتماعی انجام می‌گیرد بر اساس این تعریف چهار تکلیف را برای همه‌ی نظام‌ها ضروری می‌داند:

- ۱- **تطبیق:** یعنی هر نظامی باید با محیطش سازگاری ایجاد کند و محیط را با نیازهایش سازگار کند.
 - ۲- **دستیابی به هدف:** هر نظامی باید هدف‌های اصیل خود را تعیین کند و به آنها دست یابد.
 - ۳- **یکپارچگی:** هر نظامی باید روابط متقابل اجزایش را تنظیم کند.
 - ۴- **سکون یا نگه‌داشت الگو:** هر نظامی باید انگیزش‌های افراد و الگوهای فرهنگی آفریننده و نگهدارنده انگیزش‌ها را ایجاد، نگهداری و تجدید کنند. این چهار تکلیف با چهار نظام کنش پیوند دارد که به شرح زیر است:
- (الف) ارگانیسم رفتاری (ب) نظام شخصیتی (د) نظام فرهنگی (ج) نظام اجتماعی

در اینجا این سطوح به دو شیوه ترکیب شده اند: هر یک از سطوح بالاتر سطوح زیرین خود را در این سلسله مراتب تحت نظارت دارند هر یک از سطوح پایین تر شرایط و انرژی مورد نیاز برای سطوح بالاتر را فراهم می کند. از لحاظ محیط فعالیت نظام کنش پایین ترین سطح که همان محیط جسمانی و ارگانیکی است جنبه های غیر نمادین بدن انسان، ساختمان بدنی و اعضایش را شامل می شود. در بالاترین سطح واقعیت نمایی قرار دارد که به نظر پارسونز روشن ساختن گرایش کلی جوامع بشری به برخورد نمادین با عدم قطعیت ها دلواپسی ها و فجایع بشری است که با معنی دار بودن سازمان اجتماعی در تعارض است.

۱- نظریه احساس محرومیت نسبی

نظریه محرومیت نسبی تدرابرت گر، افراد موقعیت اقتصادی خود را در مقام مقایسه با دیگران ارزیابی می کنند و زمانی که احساس کنند دیگران منابع مطلوب بیشتری را در مقام مقایسه با آن ها در اختیار دارند، احساس محرومیت، تنفر و عصبانیت در آن ها پیدا می شود. این احساس محرومیت، به ویژه زمانی تشدید می گردد که افراد توزیع نابرابر منابع را ناعادلانه بدانند و خود را ناتوان از بهبود موقعیت اقتصادی - اجتماعی شان احساس کنند. وقتی این احساس نابرابری و بی عدالتی به بالاترین درجه خود برسد به احساس تضاد اجتماعی می انجامد و افراد را در شرایطی قرار می دهد که زیر پا نهادن هنجارهای اجتماعی، قواعد و اصول حاکم بر زندگی شهری را نوعی واکنش در برابر چنین احساسی محسوب نمایند. از این رو، نابرابری یکی از عواملی است که نقش بسیار مهمی در ایجاد امنیت در جوامع داشته و در غیاب آن پیمودن مسیر توسعه فرهنگی، اقتصادی و امنیتی دشوار و یا غیرممکن می باشد.

محرومیت نسبی به عنوان متغیر در این پژوهش یک واقعیت اجتماعی محسوب می شود زیرا ساخته حیات اجتماعی انسان است و حتی نسبت به فرد انسانی که در مقام شناسایی فعال و فاعل (subject) می باشد نیز وجودی مستقل دارد، از فشاری برخوردار است که خود را نیز بر افراد به عنوان واقعیتی ملموس تحمیل می کند. چون واقعیتی اجتماعی هست، واقعیتی عام نیز هست. مصادیق آن تکرار می شود و در همه یا بخش وسیعی از جامعه وجود دارد.

مبنای نظریه محرومیت نسبی بر مقایسه است آنچنان که جیمز دیویس در تفسیر رسمی از محرومیت نسبی می گوید چنانچه در نظر بگیریم که به توان به طرق مختلف آن را به طبقات دوگانه تقسیم کرد (مانند متأهل / غیر متأهل - شاغل / غیر شاغل) آنگاه می توان مفروضات زیر را ارائه نمود: ۱- حداقل یکی از طبقه بندی های دوگانه منعکس کننده تفاوت ها در مطلوبیت است. این دسته بندی را به دو بخش محروم و غیرمحروم، تقسیم می کنند که در همه جا دومی بر اولی ترجیح داده می شود. این فرض بر این ایده مبتنی است که یک یا چند تا از این تقسیم بندی های دوگانه مبتنی بر یک ارزش هستند که آن جمعیت بر سر آن اجتماع دارد. و البته به این معنی نیست که هرکس به خارج از آن جمعیت با این ارزشیابی موافق باشد. ۲- فرض دوم به لحاظ روشی و نظری مهم است. از نظر تکنیکی این فرض به ما کمک می کند تا از حساب احتمالات به عنوان زبان برای استخراج فرضیات از نظریه محرومیت نسبی استفاده کنیم.

فرض دوم به این قرار است: اگر احتمال مقایسه الف همانند نسبت الف است و احتمال مقایسه ب همانند نسبت ب است و تمامی مقایسه ها تصادفی هستند آنگاه احتمال مقایسه شخصی که با الف و همچنین با ب مقایسه می شود برابر است با حاصل دو احتمال. اگر به هسته درونی نظریه محرومیت نسبی می پردازیم که مجموعه ای از مفروضات درباره پیامدهای روانشناسانه انواع گوناگون مقایسه هاست. برای این کار ابتدا وجه تمایز دیگری را معرفی می کنیم. چنانچه هر دسته بندی اجتماعی بجز محرومیت را در نظر بگیریم می توانیم مقایسه ها را به دو نوع تقسیم کنیم ۱- مقایسه درون گروهی یا مقایسه بین افراد در یک گروه فرعی و ۲- مقایسه برون گروهی یا مقایسه بین افراد در گروه های متفاوت. بنابراین، وقتی مردان متأهل با مردان متأهل مقایسه می شوند درون گروهی است و هنگامی که همان مردان متأهل با کارمندان مقایسه می شوند مقایسه ای برون گروهی است [۳].

روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش پیمایشی^۳ صورت می گیرد. روش پیمایشی یکی از روش های پژوهش اجتماعی است که در آن ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه و همراه با مصاحبه بوده و پژوهش های کاربردی، کدبندی اطلاعات، ماتریس داده ها و جوابگویی به چگونگی (توصیف) و چرایی (استنباط و تحلیل) از ویژگی های آن است.

جامعه آماری

در این پژوهش از میان مدیران و جوانانی که تعدادشان بالغ بر ۴۶۹۳ نفر است به عنوان جامعه آماری پژوهش انتخاب شده اند.

³-Survey

تعیین حجم نمونه

نمونه آماری عضوی از جامعه آماری است که خصوصیات و ویژگی های غالب اعضای جامعه آماری را دارا باشد. در واقع نمونه آماری معرف جامعه و یا آزمودنی های بوده و نتایج حاصل از مطالعه ویژگی های آن قابل تعمیم به کل جامعه آماری می باشد. حجم نمونه مورد نیاز پژوهش براساس جدول کوکران استخراج گردیده است:

$$n = \frac{\frac{4 \times 0.5 \times 0.5}{0.0025}}{1 + \frac{1}{636} \left(\frac{4 \times 0.5 \times 0.5}{0.0025} - 1 \right)} = 100$$

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{n} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

حجم نمونه مورد نیاز برای پژوهش حاضر با توجه به فرمول کوکران 98 نفر برآورد گردید. با این حال برای افزایش اعتبار یافته های پژوهش از یک نمونه 100 نفری استفاده شد.

اعتبار و روایی

بر همین اساس اعتبار پژوهش حاضر بر اساس اعتبار صوری می باشد که از طریق اساتید و محققان دانشگاهی در مورد شاخص های پژوهش تعیین شده است.

پایایی	مؤلفه ها
۰/۸۵	امنیت اجتماعی
۰/۸۵	قوانین حکومتی
۰/۸۲	عملکرد نیروی انتظامی
۰/۸۸	اعتماد اجتماعی
۰/۷۹	گرایش به مشارکت در تأمین امنیت
۰/۸۳	امنیت محل سکونت
۰/۷۹	امنیت تجارت مرز
۰/۷۴	انتصاب مدیران بومی

توصیف شاخص های دموگرافیک پاسخگویان

در این قسمت بعد از گردآوری داده ها و اطلاعات با استفاده از آمار توصیفی که شامل شاخص های مرکزی و پراکندگی مانند فراوانی، درصد فراوانی، نمودار و جداول می باشد به توصیف نمونه پرداخته می شود. توزیع فراوانی و درصدها به تفکیک ویژگی های افراد در جداول زیر آورده شده است.

جنسیت افراد پاسخ دهنده

با توجه به تجزیه و تحلیل داده ها، از بین ۱۰۰ نفر از مدیران و جوانان شهرستان میرجاوه که مورد بررسی قرار گرفت، ۷۱ نفر (۷۱٪) مرد و ۲۹ نفر (۲۹٪) زن بوده اند.

جدول ۴-۱- توزیع فراوانی جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
مرد	۷۱	۷۱٪
زن	۲۹	۲۹٪
جمع کل	۱۰۰	۱۰۰٪

وضعیت تأهل

با توجه به تجزیه و تحلیل داده ها از بین ۱۰۰ نفر از مدیران و جوانان شهرستان میرجاوه که مورد بررسی قرار گرفت، ۱۵ نفر (۱۵٪) مجرد و ۸۵ نفر (۸۵٪) متأهل بوده اند.

جدول ۴-۲- توزیع فراوانی وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	فراوانی	درصد فراوانی
مجرد	۱۵	٪۱۵
متاهل	۸۵	٪۸۵
جمع کل	۱۰۰	٪۱۰۰

وضعیت سکونت

با توجه به تجزیه و تحلیل داده ها از بین ۱۰۰ نفر از مدیران و جوانان شهرستان میرجاوه که مورد بررسی قرار گرفت، ۶۷ نفر (٪۶۷) دارای منزل شخصی و ۳۳ نفر (٪۳۳) استیجاری بوده اند.

جدول ۴-۳- توزیع فراوانی وضعیت سکونت

وضعیت سکونت	فراوانی	درصد فراوانی
شخصی	۶۷	٪۶۷
استیجاری	۳۳	٪۳۳
جمع کل	۱۰۰	٪۱۰۰

سن

با توجه به تجزیه و تحلیل داده ها از بین ۱۰۰ نفر از مدیران و جوانان شهرستان میرجاوه که مورد بررسی قرار گرفت، سن ۹ نفر (٪۹) از آن ها زیر ۲۵ سال، ۳۹ نفر (٪۳۹) بین ۲۵-۳۵ سال و ۵۲ نفر (٪۵۲) ۳۵ سال به بالا بوده اند.

جدول ۴-۴- توزیع فراوانی سن

سن	فراوانی	درصد فراوانی
زیر ۲۵ سال	۹	٪۹
۲۵-۳۵ سال	۳۹	٪۳۹
۳۵ سال به بالا	۵۲	٪۵۲
جمع کل	۱۰۰	٪۱۰۰

میزان تحصیلات

با توجه به تجزیه و تحلیل داده ها از بین ۱۰۰ نفر از مدیران و جوانان شهرستان میرجاوه که مورد بررسی قرار گرفت، ۱۴ نفر (٪۱۴) دارای مدرک زیر دیپلم، ۲۲ نفر (٪۲۲) دارای مدرک دیپلم، ۲۲ نفر (٪۲۲) دارای مدرک فوق دیپلم و ۴۲ نفر (٪۴۲) دارای مدرک لیسانس و بالاتر بوده اند.

جدول ۴-۵- توزیع فراوانی میزان تحصیلات

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
زیر دیپلم	۱۴	٪۱۴
دیپلم	۲۲	٪۲۲
فوق دیپلم	۲۲	٪۲۲
لیسانس و بالاتر	۴۲	٪۴۲
جمع کل	۱۰۰	٪۱۰۰

موقعیت

با توجه به تجزیه و تحلیل داده ها از بین ۱۰۰ نفر از مدیران و جوانان شهرستان میرجاوه که مورد بررسی قرار گرفت، ۴۰ نفر (٪۴۰) مدیر و ۶۰ نفر (٪۶۰) جوان بوده اند.

جدول ۴-۶- توزیع فراوانی موقعیت

موقعیت	فراوانی	درصد فراوانی
مدیر	۴۰	٪۴۰
جوان	۶۰	٪۶۰
جمع کل	۱۰۰	٪۱۰۰

بررسی فرضیات پژوهش

بررسی فرضیه اول پژوهش: بین میزان احساس نابرابری و امنیت رابطه وجود دارد.

H: بین میزان احساس نابرابری و میزان امنیت رابطه وجود ندارد.

H_۱: بین میزان احساس نابرابری و میزان امنیت رابطه وجود دارد.

جهت پاسخگویی به این فرضیه از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۴-۹) آمده است.

جدول ۴-۷- توزیع فراوانی مربوط به سئوالات میزان امنیت

متغیرهای پژوهش	سئوالات	توزیع فراوانی	مخالف	نظری ندارم	موافق
میزان امنیت	سئوال ۸	فراوانی	۱۶	۹	۷۵
	سئوال ۱۶	فراوانی	۷۴	۱۲	۱۴
	سئوال ۱۸	فراوانی	۵	۳	۹۲
	سئوال ۱۹	فراوانی	۳۸	۱۵	۴۷
	سئوال ۲۰	فراوانی	۲۷	۲۳	۵۰
کل سئوالات		فراوانی	۶	۵۵	۳۹

جدول ۴-۸- توزیع فراوانی مربوط به سئوالات میزان احساس نابرابری

متغیرهای پژوهش	سئوالات	توزیع فراوانی	مخالف	نظری ندارم	موافق
میزان احساس نابرابری	سئوال ۱	فراوانی	۲۲	۲	۷۶
	سئوال ۲	فراوانی	۵۹	۱۲	۲۹
	سئوال ۳	فراوانی	۳۹	۱۳	۴۸
	سئوال ۴	فراوانی	۶۱	۱۱	۲۸
	سئوال ۲۱	فراوانی	۶۶	۲۵	۹
کل سئوالات		فراوانی	۱۹	۷۴	۷

جدول ۴-۹- بررسی رابطه بین میزان احساس نابرابری و میزان امنیت

میزان احساس نابرابری		میزان امنیت
۰/۴۰۲	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۱۰۰	تعداد	

نتایج جدول (۹-۴) حاکی از این است که ضریب همبستگی بین میزان امنیت و میزان احساس نابرابری ۰/۴۰۲- می باشد که در سطح ۹۹ درصد رابطه منفی و معنادار است ($P < 0/01$). لذا در این سطح فرضیه صفر یعنی عدم وجود رابطه رد و فرضیه پژوهش تأیید می شود.

بررسی فرضیه دوم پژوهش: بین سطح تحصیلات و امنیت رابطه وجود دارد.

H_0 : بین سطح تحصیلات و امنیت رابطه وجود ندارد.

H_1 : بین سطح تحصیلات و امنیت رابطه وجود دارد.

جهت پاسخگویی به این فرضیه از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۱۱-۴) آمده است.

جدول ۴-۱۰- توزیع فراوانی مربوط به سئوالات سطح تحصیلات

متغیرهای پژوهش	سئوالات	توزیع فراوانی	مخالف	نظری ندارم	موافق
سطح تحصیلات	سئوال ۵	فراوانی	۱۳	۸	۷۹
	سئوال ۶	فراوانی	۶۳	۱۳	۲۴
	سئوال ۷	فراوانی	۶۳	۱۴	۲۳
کل سئوالات		فراوانی	۱۰	۶۰	۳۰

جدول ۴-۱۱- بررسی رابطه بین سطح تحصیلات و میزان امنیت

سطح تحصیلات		میزان امنیت
۰/۴۷۵	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۱۰۰	تعداد	

$P < 0/01$

نتایج جدول (۱۱-۴) حاکی از این است که ضریب همبستگی میزان امنیت با سطح تحصیلات ۰/۴۷۵ می باشد که در سطح ۹۹ درصد رابطه مثبت و معنادار است ($P < 0/01$). لذا در این سطح فرضیه صفر یعنی عدم وجود رابطه رد و فرضیه پژوهش تأیید می شود.

بحث و نتیجه گیری**فرضیه اول پژوهش: بین میزان احساس نابرابری و میزان امنیت رابطه وجود دارد.**

نتایج بدست آمده در بررسی فرضیه فوق وجود رابطه بین احساس نابرابری و میزان امنیت را تأیید می‌نماید. نتیجه به دست آمده در این خصوص نشان می‌دهد که احساس نابرابری در جامعه رابطه معکوسی با میزان امنیت دارد و افزایش احساس نابرابری، کاهش میزان امنیت را به دنبال خواهد داشت. در تبیین نتایج فوق باید گفت که یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌هایی که امنیت را ارتقا می‌بخشد و جامعه را سالم، آرام و مطلوب می‌سازد، احساس برابری و عدالت در جامعه می‌باشد. نابرابری وضعیتی است که در چارچوب آن، انسان‌ها دسترسی نابرابری به منابع ارزشمند، خدمات و موقعیت‌های برتر جامعه دارند. احساس برابری و عدالت در جامعه و نمود آن در ارتباط با مقولاتی نظیر پیشگیری و کاهش جرایم، خشونت و تضاد در یک جامعه و بسیاری از معضلات اجتماعی تهدید کننده امنیت، نشان از ارتباط تنگاتنگ مؤلفه نابرابری با میزان امنیت در جامعه دارد. بر طبق نظریه محرومیت نسبی تدریج گر، افراد موقعیت اقتصادی خود را در مقام مقایسه با دیگران ارزیابی می‌کنند و زمانی که احساس کنند دیگران منابع مطلوب بیشتری را در مقام مقایسه با آن‌ها در اختیار دارند، احساس محرومیت، تنفر و عصبانیت در آن‌ها پیدا می‌شود. این احساس محرومیت، به ویژه زمانی تشدید می‌گردد که افراد توزیع نابرابر منابع را ناعادلانه بدانند و خود را ناتوان از بهبود موقعیت اقتصادی - اجتماعی شان احساس کنند. وقتی این احساس نابرابری و بی‌عدالتی به اعلی درجه خود برسد به احساس تضاد اجتماعی می‌انجامد و افراد را در شرایطی قرار می‌دهد که زیر پا نهادن هنجارهای اجتماعی و قواعد و اصول حاکم بر زندگی شهری را نوعی واکنش در برابر چنین احساسی محسوب نمایند. از این رو، نابرابری یکی از عواملی است که نقش بسیار مهمی در ایجاد امنیت در جوامع داشته و در غیاب آن پیمودن مسیر توسعه فرهنگی اقتصادی و امنیتی دشوار و یا غیرممکن می‌باشد.

فرضیه دوم پژوهش: بین سطح تحصیلات و میزان امنیت رابطه وجود دارد.

نتایج بدست آمده در بررسی فرضیه فوق حاکی از آن است که بین سطح تحصیلات و میزان امنیت رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. بدین معنا که با افزایش سطح سواد و تحصیلات در جامعه، میزان امنیت افزایش پیدا می‌کند. در تبیین نتایج فوق باید گفت که بی‌سوادی و کم‌سوادی و ناآگاهی و جهل به قانون، به پیدایش و تشدید تفاوت‌ها و تعارضات عقیدتی، ارزشی و هنجاری در بین افراد و گروه‌های اجتماعی منجر می‌گردد. در چنین شرایطی افراد و گروه‌های اجتماعی اگر از نظر خانوادگی نیز دچار نابسامانی باشند، بر سر تشخیص اهداف و راه‌های نیل به اهداف دچار سرگردانی می‌شوند و از نظر اخلاق نظری و اخلاق عملی دچار تعارض می‌گردند و بر طبق هنجارها و قواعد عمل نمی‌کنند و انگیزه مشارکت در امور عام المنفعه و خیر عمومی را از دست می‌دهند. این افراد در جهت نیل به اهداف فردی با صرف هزینه‌های عمومی به خودخواهی خود ادامه می‌دهند و از جامعه انتقام می‌گیرند. از این رو بی‌سوادی موجب بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی می‌شود به طوری پژوهش‌ها نشان می‌دهد اکثر بزهکاران، سطح سواد مناسبی ندارند. پس می‌توان نتیجه گرفت کاهش بی‌سوادی در بین مردم منجر به رفع بسیاری از این مشکلات و آسیب‌ها و افزایش میزان امنیت در جامعه خواهد شد. و نتایج این پژوهش در غالب نظریه ناسازگاری مرتون قابل تفسیر است که افراد بی‌سواد در مراحل تثوری مرتون عمدتاً به مرحله طغیان می‌رسند و موجب ناامنی می‌گردند.

منابع و مراجع

- [۱] بیات، بهرام، (۱۳۸۸). جامعه شناسی احساس امنیت. چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- [۲] توسلی، غلام عباس، (۱۳۸۶)، امنیت اجتماعی با نگرش محله ای، نامه پژوهش فرهنگی، سال هشتم، شماره نهم، صص ۴۰-۲۳.
- [۳] چلبی، مسعود، (۱۳۸۶). جامعه شناسی نظم، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- [۴] غفاری، غلامرضا، (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی. چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- [۵] کریمان، اعظم (۱۳۸۹). نقش نیروی انتظامی در تأمین امنیت اجتماعی، فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره دوم، صفحه ۸.
- [۶] ماندال، رابرت. (۱۳۸۷). چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- [۷] نبوی، سید عبدالحسین (۱۳۸۹) بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی، جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و یکم، شماره پیاپی ۴۰، شماره چهارم.